

# Analyzing the Effects of Social Capital Supportive Strategies: With Accent on Subsidy Policies



Samaneh Part<sup>1</sup>, \*Azad Khanzadi<sup>2</sup>, Mohammad Sharif Karimi<sup>3</sup>

1. MA of Pure Economics, Faculty of Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran
2. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran
3. Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran



**Citation:** Part, S., Khanzadi, A., & Sharif Karimi, M. (2021). [Analyzing the Effects of Social Capital Supportive Strategies: With Accent on Subsidy Policies]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 9 (1), 104-133. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2021.111383>

<https://doi.org/10.30507/JMSP.2021.111383>



**Funding:** See Page 130

**Received:** 03/01/2020

**Accepted:** 03/08/2020

**Available Online:** 21/03/2021

**Article Type:** Research Paper

## Key words:

Supportive policy;  
subsidy; social capital;  
ARDL; Iran.

## ABSTRACT

In many countries around the world, governments follow policies and supportive strategies in order to control the economic, social, and cultural issues such as reducing poverty and injustice, increasing economic situation, and pursuing developmental plans. Iran, as a developing country, needs supportive plans for its development, which actually is noted in the third, twenty ninth, and forty third principles of constitution aiming to reduce poverty and establish economic independence. Moreover, factors of resistance economy for encouraging production and employment, economic prosperity and welfare, and democratizing economy are noted as well. Subsidy is one of the tools and supportive strategies to improve public earning and welfare. Subsidy can have an effective role in wealth distribution. If the economic situation improves, it can increase public trust and satisfaction in the government, thus having a positive impact on the social capital. Considering the significance of social capital and other related factors, this study tries to investigate the effect of supportive policies on social capital from 1996 to 2017. The data analysis is done through autoregressive distributed lag (ARDL). The results show that there is a positive relationship between the government's support and expenditure in health, housing, and subsidy with social capital. There is, however, a negative relationship between government's support in social security and education with social capital.

**JEL Classification:** H25, H50, C10.

## \* Corresponding Author:

**Azad Khanzadi, PhD**

**Address:** Razi University, Kermanshah

**Tel:** +98 (918) 872 5965

**E-mail:** azadkhanzadi@gmail.com

## تأثیر راهبردهای حمایتی سرمایه اجتماعی با تأکید بر سیاست‌های یارانه‌ای

سمانه پارت<sup>۱</sup>، \*آزاد خانزادی<sup>۲</sup>، محمدشیرین کریمی<sup>۳</sup>

۱. کارشناسی ارشد اقتصاد محض، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
۲. استاد بار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
۳. استاد بار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

## چیکید

تاریخ دریافت: ۱۳ بهمن ۱۳۹۸  
تاریخ پذیرش: ۱۴ مرداد ۱۳۹۹  
تاریخ انتشار: ۱ فروردین ۱۴۰۰

نوع مقاله: علمی- پژوهشی

## کلیدواژه‌ها:

سیاست حمایتی،  
یارانه، سرمایه  
اجتماعی، روش  
خودرگرسیون با  
وقفه‌های توزیعی  
(ARDL)، ایران.

در اکثر کشورهای جهان، دولت‌ها به منظور تعیین جهت‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همچون از میان بردن فقر و نابرابری، رشد اقتصادی و پیشبرد اهداف توسعه‌ای، اقدام به اتخاذ سیاست‌های خاص و استفاده از ابزارهای حمایتی می‌کنند. ایران نیز، به‌منزله کشوری در حال توسعه، همواره برای پیشرفت در مسیر توسعه به سیستم حمایتی نیاز خواهد داشت و این موضوع در اصول سوم، بیست‌ونهم، سی‌ویکم و چهل‌وسوم قانون اساسی در جهت استقلال اقتصادی و ریشه‌کن کردن فقر و همچنین مؤلفه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی به‌منظور رونق تولید و اشتغال، رشد اقتصادی و رفاه و مردمی کردن اقتصاد، مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این ابزارها و سیاست‌های حمایتی که در راستای بهبود وضعیت معیشتی و رفاهی قشرهای نیازمند از آن بهره گرفته می‌شود، پرداخت یارانه‌هاست. یارانه، به‌منابۀ ابزار حمایتی، نقشی مؤثر در بهبود توزیع درآمد دارد و می‌تواند با کمک به بهبود شرایط اقتصادی، موجب رضایت و اعتماد عمومی افراد جامعه به نظام حکومتی گردد و از این حیث بر میزان سرمایه اجتماعی تأثیر مثبتی بگذارد. با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی و سایر عوامل مؤثر بر آن، در این مطالعه تلاش شده است تا تأثیر سیاست‌های حمایتی بر میزان سرمایه اجتماعی در ایران طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶ با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL) بررسی گردد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که رابطه متغیرهای حمایت‌ها و مخارج دولت در بخش بهداشت، مسکن و یارانه‌ها با سرمایه اجتماعی مثبت است و متغیرهای حمایت دولت در بخش بهزیستی تأمین اجتماعی و حمایت دولت در بخش آموزش با متغیر سرمایه اجتماعی رابطه منفی دارد.

طبقه‌بندی JEL: H25, H50, C10.

\* نویسنده مسئول:

دکتر آزاد خانزادی

نشانی: کرمانشاه، دانشگاه رازی

تلفن: ۸۷۲۵۹۵۶ (۹۱۸) ۹۸+

پست الکترونیک: azadkhanzadi@gmail.com

## ۱. مقدمه

در اغلب کشورهای جهان، اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه، دولت‌ها به‌منظور تعیین جهت‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناچار به مداخله در برخی امور و اتخاذ سیاست‌های خاص و استفاده از ابزارهای مناسب‌اند. این مداخله گاهی در راستای پیشبرد سیاست‌های اقتصادی، مانند تشویق به تولید و مصرف محصولات داخلی یا صادرات، بوده است و گاهی در حوزه سیاست‌های اجتماعی اعمال می‌گردد که معمولاً با هدف تأمین رفاه عمومی به‌طور اعم و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر به‌طور اخص برقرار می‌شود. کشور ایران نیز که در مراحل اولیه رشد و توسعه گام برمی‌دارد، به سیستم حمایتی منسجم و قوی نیازمند است. این موضوع در اصول سوم، بیست‌ونهم، سی‌ویکم و چهل سوم، در جهت استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن احتیاجات انسان از طریق تأمین نیازهای اساسی و ایجاد فرصت‌های یکسان آموزش و اشتغال، لحاظ شده است. همچنین در چارچوب سیاست‌ها، مؤلفه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی در جهت رونق تولید و اشتغال، رشد اقتصادی و رفاه و مردمی کردن اقتصاد، به اهمیت این موضوع اشاره شده است (کریم و امیری، ۱۳۹۶).

یکی از این ابزارها و سیاست‌های حمایتی جهت بهبود وضعیت معیشتی و رفاهی خانوارهای نیازمند، سیاست پرداخت یارانه‌هاست. اجرای این قبیل سیاست‌ها که در سال‌های اخیر مورد توجه سیاست‌مداران قرار گرفته، تلاشی است برای افزایش رفاه خانوارها و کاهش فقر و فاصله طبقاتی در کشور. یارانه، به‌عنوان ابزار حمایتی، نقشی مؤثر در بهبود توزیع درآمد، کاهش فقر و در نتیجه افزایش رفاه افراد ایفا می‌کند. در واقع پرداخت یارانه نقدی به خانوارها از طریق افزایش قدرت انتخاب، افزایش قدرت خرید و بهبود توزیع درآمد در میان آحاد جامعه، زمینه اثرگذاری بر رفاه خانوارها را فراهم می‌آورد و باعث تغییر در آن می‌شود. به همین سبب همواره دولت‌ها درصدد تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست حمایتی مناسبی برای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی خود در جامعه هستند؛ زیرا هر اندازه وضعیت معیشتی و اقتصادی در جامعه‌ای بهبود یابد، میزان رضایت عمومی، اعتماد و انسجام نیز در آن به‌تناسب افزایش می‌یابد و در نتیجه این افزایش در میزان سرمایه اجتماعی، جامعه به اهداف توسعه‌ای خود نزدیک‌تر خواهد شد (نبوی و رازانی، ۱۳۸۹).

هدف از این مطالعه بررسی تأثیر راهبردهای حمایتی سرمایه اجتماعی با تأکید بر سیاست‌های یارانه‌ای در ایران، در بازه زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶ با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی بوده است. بر این اساس، ساختار مقاله حاضر به این صورت است که در بخش دوم مطالعات تجربی داخلی و خارجی و در بخش سوم مبانی نظری مرور شده است. در بخش چهارم روش تحقیق، در بخش پنجم الگو و یافته‌های تجربی حاصل از برآورد الگو

و در بخش ششم نتیجه‌گیری و پیشنهادهای بیان شده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

### ۱-۲. مطالعات خارجی

**جیانگ و کانگ (2019)** در مطالعه خود ارتباط میان سرمایه اجتماعی و سلامت را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار سلامت بر میزان سرمایه اجتماعی است. هر قدر میزان دستیابی به منابع بهداشتی بیشتر باشد، میزان سرمایه اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت. به همین دلیل دولت باید مداخلات خاصی را در جهت منابع بهداشت و سلامت افراد انجام دهد.

**هریسون و دیگران (2018)** در مطالعه‌ای به بررسی روابط متقابل سرمایه اجتماعی و فقر (به‌عنوان شاخص منفی بهزیستی) در ایالات متحده پرداختند. متغیرهایی که در تجزیه و تحلیل این پژوهش مشخص شده، شامل فقر، آموزش، سلامتی، روابط نژادی قومی و مشارکت نیروی کار زنان است. نتایج تحقیق مذکور بر اهمیت وجود فقر به‌عنوان عامل بازدارنده برای ایجاد سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند؛ چرا که در جوامع فقیرنشین، افراد کمتر به فعالیت‌هایی می‌پردازند که به ایجاد سرمایه اجتماعی منجر می‌شود؛ زیرا فاقد منابع مادی برای انجام این کار هستند.

**لو، لین، ویکز و هوانگ (2013)** در جستاری به بررسی اثرات سیاست‌های رفاه اجتماعی بر فقر و نابرابری درآمد در چین، طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۹م، با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های رفاه اجتماعی طی سال‌های مورد بررسی نقش مهمی در کاهش فقر (۳۲ درصد) داشته است. اما اثر این سیاست‌ها بر نابرابری درآمدی معکوس شده است؛ به‌طوری که خانواده‌های با درآمد بالا بیشترین منفعت مالی را طی این سال‌ها داشته‌اند و نابرابری میان دهک‌های درآمدی در طول زمان افزایش یافته است.

**کوریم (2013)** به بررسی برنامه یارانه مواد غذایی و کمک‌های اجتماعی بر پایه داده‌های منتشرشده و داده‌های میدانی مربوط به ۷ استان با بیشترین نرخ فقر در مصر پرداخت. او با بررسی تأثیر یارانه کالایی، شامل یارانه نان برای همه خانوارها، و یارانه مواد غذایی برای خانوارهای فقیر (درمقابل یارانه‌های نقدی) بر وضعیت فقر در مصر، به این نتیجه رسید که یارانه کالایی به یارانه نقدی ترجیح داده شده است؛ زیرا به دلیل بالا بودن نرخ تورم در این کشور، مواد غذایی ضروری برای خانوار فقیر در یارانه کالایی فراهم می‌شود؛ درحالی که با پرداخت یارانه نقدی به دلیل افزایش قیمت در بازار، قدرت خرید کاهش می‌یابد. با وجود

این، اصلاح سیستم توزیع یارانه کالایی به‌منظور دستیابی افراد کم‌درآمد به مواد غذایی ضروری تشخیص داده شده است.

**بریشینگل، انگلک و اکر (2012)** در مطالعه‌ای اثرات اصلاح کامل یارانه‌ها را در یمن و با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه بررسی کردند. نتایج این تحقیق به‌صورت کلی اثرات افزایش تعدیل یارانه‌ها را مثبت ارزیابی کرده است؛ اما افزایش یا کاهش فقر به نوع برنامه اصلاح یارانه‌ها بستگی دارد. محققان استراتژی خوش‌بینانه‌ای از اصلاح یارانه‌ها را به‌صورت پرداخت یارانه نقدی به سه دهک کم‌درآمد جامعه در طول دوره سرمایه‌گذاری معرفی می‌کنند. همچنین پیشنهاد می‌کنند درآمدهای مالیاتی تقویت شود و سرمایه‌گذاری عمومی در ظرفیت‌های خالی اقتصاد، جهت تقویت بخش‌های تولیدی، هدایت گردد.

## ۲-۲. مطالعات داخلی

**سپهوند و جعفری (۱۳۹۶)** تأثیر احساس امنیت اجتماعی بر سرمایه و نشاط اجتماعی را در استان لرستان و اکاوی کردند. براساس نتایج پژوهش آن‌ها، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، احساس امنیت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر نشاط اجتماعی دارد و همچنین در همین سطح اطمینان، احساس امنیت اجتماعی تأثیر مثبت و معناداری بر سرمایه اجتماعی جوانان لرستان می‌گذارد. بدین منظور، توجه بیشتر به امنیت جانی، مالی و اقتصادی، اخلاقی و عاطفی، و شغلی جوانان زمینه‌ساز بهبود سرمایه اجتماعی می‌گردد.

**احمدی، مجردی و بادسار (۱۳۹۵)** در بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی یارانه‌ها بر کیفیت زندگی روستاییان اظهار کردند اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها هم بر بُعد اقتصادی و هم بر بُعد اجتماعی کیفیت زندگی روستاییان اثر مثبت و معناداری داشته؛ اما اثرات اجتماعی آن بیشتر از اثرات اقتصادی اجرای این قانون بوده است.

**بریمانی، راستی، جهان‌تیغ و دهانی (۱۳۹۵)** در مطالعه خود به تحلیل و تبیین ارتباط میان فقر و سرمایه اجتماعی پرداختند. آن‌ها با بررسی ۵۱۸ نفر از ساکنان مناطق مرزی شرق ایران واقع در استان سیستان و بلوچستان بیان کردند که فقر بر سرمایه اجتماعی تأثیر منفی دارد. از مهم‌ترین علل این میزان از فقر و سرمایه اجتماعی در منطقه مرزی مورد مطالعه می‌توان به ساختار نابرابر قدرت و به تبع آن، توزیع نامتعادل امکانات و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی به‌ویژه فرصت‌های شغلی و درآمدی و فرصت نابرابر در دسترسی به تسهیلات مالی و اجتماعی اشاره کرد.

**بیگی، سامتی و شریفی‌رنانی (۱۳۹۲)** اثر هدفمندی یارانه‌ها بر میزان فقر و بیکاری را طی دوره ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۵ ارزیابی کردند. شاخص فقر مورد استفاده در این مطالعه ضریب

جینی است که شکاف فقر را بیان می‌کند. طبق نتایج، زمانی که به دلیل اجرای سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها قیمت حامل‌های انرژی، از جمله برق، افزایش می‌یابد، این افزایش موجب افزایش در ضریب جینی می‌گردد؛ یعنی نابرابری درآمدها با اتخاذ این سیاست‌ها بیشتر شده است.

### ۳. چارچوب نظری

تعریف نقش دولت، علاوه بر اهمیت نظری که به عنوان معیار اصلی طبقه‌بندی مکاتب اقتصادی داراست، در مدیریت اقتصاد ملی و تدوین راهبردهای توسعه و کلان اقتصادی نیز بسیار کلیدی است. اشاعه و توسعه فناوری، انفجار جمعیت و ادغام در اقتصاد جهانی تحت عنوان جهانی شدن، دولت‌ها را ناگزیر می‌سازد در برابر این پدیده‌ها واکنش‌های مناسب و پاسخ‌های لازم داشته باشند. با بررسی نقش مفهومی و تاریخی دولت و به استناد شواهد تجربی ناشی از عملکرد و اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولت و نهادهای دولتی و آثار آن بر توسعه فرهنگی و اقتصادی دولت‌ها در سطح جهان، می‌توان چنین اظهار کرد که توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار بدون وجود دولت مؤثر و کارا امکان‌پذیر نیست. به‌طور کلی دخالت دولت در زندگی اجتماعی را می‌توان در آموزه‌های آدام اسمیت یافت: دفاع در برابر تهاجم خارجی، برقراری عدالت قضایی و امنیت داخلی و نهایتاً اموری که منفعت اقتصادی بازار را تأمین نمی‌کند. فراتر از موارد حاکمیتی مذکور، میزان دخالت دولت اساسی‌ترین جنبه تمایز ایدئولوژیک میان دیدگاه‌های مختلف در فلسفه سیاسی است. در مجموع می‌توان طیفی را تصور کرد که در راست‌ترین نقطه آن، حداقل دخالت دولت امری مطلوب و مورد توجه است و در چپ‌ترین نقطه آن، دخالت کامل دولت مورد تأکید قرار می‌گیرد. طرفداران عدم مداخله (لیبرال‌ها و نئولیبرال‌ها) بر این عقیده‌اند که افراد باید آزاد باشند تا برای خود تصمیمات اقتصادی بگیرند؛ در حالی که حامیان مداخله دولت (رادیکال‌ها و دولت رفاه) بر این باورند که مداخله دولت می‌تواند مشکلات و مسائل اجتماعی و نابرابری‌های ذاتی نظام سرمایه‌داری را حل کند (عدالت‌جو و حسن‌زاده، ۱۳۹۵).

بنابراین دولت‌ها همواره صرف‌نظر از حیطة حاکمیتی، در راستای نقش توزیعی تخصیصی و تثبیتی خود، به‌منظور جهت‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همچون شکست بازار، حفظ حقوق افراد، تجارت بین‌الملل، شکست در اهداف بین‌المللی نظیر نابرابری و فقر ناچار به مداخله و اتخاذ سیاست‌های خاص حمایتی و استفاده از ابزارهای مربوطه می‌شوند (کلانتری و رحیمی، ۱۳۸۵).

### ۱-۳. سیاست‌های حمایتی دولت

سیاست حمایتی مجموعه‌ای از ابزارها و راهبردهایی است که در جهت حمایت‌های اقتصادی و

اجتماعی در جامعه، توسط دولت اخذ و اجرا می‌شود. این سیاست‌ها در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و با هدف حمایت درآمدی از افراد جامعه، پشتیبانی از نیروی کار داخلی، حمایت از مصرف‌کنندگان، افزایش رقابت در بازار تولید و صادرات، حمایت از افراد فقیر و توانمندسازی آن‌ها از طریق افزایش دارایی‌ها و افزایش فرصت‌های در دسترس افراد، از میان بردن نابرابری و افزایش رفاه و تأمین اجتماعی، پشتیبانی از مخترعان و نوآوران عرصه علمی، حفظ یک فرهنگ مصرفی خاص در جامعه و... اتخاذ می‌شوند تا بدین ترتیب، امنیت معیشتی و اجتماعی افراد تأمین گردد.

این سیاست‌ها دامنه گسترده‌ای دارند؛ اما به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را در حوزه‌های تأمین اجتماعی و اقتصادی تعریف کرد.

حمایت‌های اجتماعی حمایت‌هایی است که دولت در قبال ناهنجاری‌های اجتماعی و اقتصادی پدیدآمده، در اختیار افراد جامعه می‌گذارد که از جمله آن‌ها می‌توان بهبود کمی و کیفی شرایط عمومی زندگی مردم، توجه به مناطق محروم و تأمین نیازهای بهداشتی، آموزشی و عمرانی آن‌ها، افزایش تأمین نیازهای اساسی مردم، ایجاد امنیت شغلی و فرصت‌های یکسان در دستیابی به آموزش و اشتغال و تأمین اجتماعی را نام برد.

همچنین دولت، به‌عنوان یکی از بخش‌های اساسی اقتصاد کلان، با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مناسب می‌تواند به اهداف توسعه‌ای پیش‌روی کشور دست یابد و اقتصاد را در سطح کلان هدایت کند (حیدری، ۱۳۹۵). سیاست‌های حمایتی دولت در حوزه اقتصادی را می‌توان در چارچوب سیاست‌هایی همچون کنترل عرضه، بیمه محصولات و پرداخت یارانه به مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان قرار داد.

اگر سیاست‌های حمایتی به‌صورت صحیح و در موقعیت‌های مناسب تصمیم‌گیری و اجرا شوند، کارایی‌های چشمگیری در جامعه خواهند داشت؛ همچون اشتغال کامل، تثبیت یا تحقق عدالت اجتماعی که در نتیجه تخصیص بهینه منابع روی می‌دهد و یا عرضه کالاها و خدمات عمومی، کاهش قاچاق، کاهش فقر و کمک به گروه‌های کم‌درآمد، افزایش رقابت در بازار تولید و کاهش فاصله طبقاتی و افزایش امنیت اجتماعی و اقتصادی. یارانه‌ها، به‌عنوان یکی از ابزارهای حمایتی دولت، نقش بسیار مهمی در افزایش رفاه و تأمین اجتماعی ایفا می‌کنند. اجرای این سیاست‌ها که در سال‌های اخیر مورد توجه سیاست‌مداران قرار گرفته، تلاشی است در جهت افزایش رفاه و کاهش فقر و فاصله طبقاتی در کشور (جریبی و صفری، ۱۳۹۰).

## ۲-۳. سیاست‌های یارانه‌ای

یارانه یکی از عام‌ترین و بحث‌برانگیزترین مفاهیم اقتصادی است که با سرنوشت معیشتی

قشرهای وسیعی از مردم ارتباط نزدیک دارد و در میان مباحث اقتصادی مرتبط با آن، دیدگاه‌های گوناگونی ابراز شده است. به‌طور کلی یارانه را می‌توان ابزار سیاست‌های اقتصادی دانست و برخلاف پنداشت عده‌ی زیادی که آن را فقط یک سیاست و نه ضرورت اقتصادی می‌پندارند، یارانه یکی از ابزارهای مهم سیاست مالی دولت است.

تعاریف متعددی از یارانه بیان شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. یارانه عبارت است از پرداخت‌های انتقالی بلاعوض نقدی و غیرنقدی دولت (به‌صورت مابه‌التفاوت هزینه بهره‌مندی و هزینه تمام‌شده) که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم برای افزایش قدرت خرید واقعی مصرف‌کنندگان یا افزایش قدرت فروش تولیدکنندگان، عادلانه‌تر کردن توزیع درآمد، ثبات اقتصادی و جبران آثار ناشی از سیاست‌های دولت به‌منظور حفظ یا ارتقای رفاه اجتماعی اعطا می‌شود (عطایی، ۱۳۸۷).

یارانه به هرگونه پرداخت انتقالی از محل خزانه دولت که به‌منظور حمایت از قشرهای کم‌درآمد و بهبود توزیع درآمد صورت می‌گیرد، اطلاق می‌گردد که به‌صورت نقدی یا کالایی به خانوارها و تولیدکنندگان کالا و خدمات تعلق می‌گیرد. اهداف کلی پرداخت یارانه هدفمند نمودن و به‌کارگیری منابع کمیاب، تثبیت قیمت‌ها، توزیع بهتر درآمد و کاهش شکاف دهک‌های درآمدی است. درواقع پرداخت یارانه یک سیاست حمایتی و ابزار اقتصادی محسوب می‌شود (نظری، ۱۳۸۸). یارانه‌ها از جمله ابزارهای مهم حمایتی دولت‌ها هستند که به مصرف‌کنندگان این امکان را می‌دهند تا در قیمت‌های پایین‌تر از قیمت‌های بازار به کالاها و خدمات مورد نظرشان دسترسی داشته باشند و همچنین از طریق کاهش هزینه‌های تولید باعث می‌گردند تا درآمد تولیدکنندگان در مقایسه با حالت بدون مداخله، افزایش یابد. در جمع‌بندی کلی، مهم‌ترین اهداف پرداخت یارانه تخصیص کارای منابع، ثبات اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد است. با توجه به تنوع و پیچیدگی محاسبات و کاربردهای گوناگون یارانه، به‌طور کلی می‌توان یارانه‌ها را براساس مراحل پرداخت آن، به سه بخش یارانه مصرفی، تولیدی و توزیعی طبقه‌بندی کرد.

یارانه‌ها نیز همچون دیگر سیاست‌های حمایتی، آثار اجتماعی و اقتصادی متعددی را در جامعه برجای می‌گذارند. از آثار مثبت هدفمندی یارانه‌ها می‌توان به تحقق عدالت در تخصیص بهینه منابع، مدیریت مصرف انرژی و جلوگیری از اسراف و تبذیر منابع و افزایش فرهنگ پس‌انداز و تأمین رفاه اجتماعی اشاره کرد. پیامدهای منفی ناشی از پرداخت یارانه‌ها نیز شامل آثار تورمی و فشار بیشتر این تورم بر قشرهای پایین جامعه و افزایش نابرابری و بروز فقر و به‌تبع آن، افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و کاهش سرمایه اجتماعی است. درواقع اگر سیاست‌های حمایتی یارانه‌ای به‌درستی



برنامه‌ریزی و اجرا شود، آثار مثبتی بر عملکرد اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت و در نتیجه موجب ارتقای سرمایه اجتماعی خواهد شد و در مقابل اگر به صورت نادرستی تعریف و اجرا شود، به افزایش فقر و نابرابری و کاهش سرمایه‌های اجتماعی منجر می‌گردد (خانزادی و حیدریان، ۱۳۹۸).

### ۳-۳. سرمایه اجتماعی

ایده سرمایه اجتماعی در مجموعه تاریخی ایده‌های مرتبط با شکل‌های مختلف سرمایه قرار گرفته است. ابتدا مفهوم سرمایه فیزیکی معرفی شد تا روش‌هایی تبیین گردد که ابزار و ماشین‌آلات، تولید اقتصاد را تسهیل می‌کنند. سپس بیکر (۱۹۹۰) مفهوم سرمایه انسانی را مطرح کرد که در آن، افراد از طریق آموزش و توسعه شغلی به این امکان دست یابند تا تولید را تسهیل نمایند. سرمایه اجتماعی، به‌عنوان مفهوم جدیدتر، تصریح می‌کند که برخی روابط اجتماعی (برای مثال شبکه‌های متراکم و هنجارهای متقابل) هم‌قادر به آسان‌سازی تولید هستند. علاوه بر این، با معرفی سرمایه اجتماعی، محققان این بحث را در انداختند که کارایی از طریق کالاهای غیراقتصادی نیز به دست می‌آید. سرمایه اجتماعی مفهومی فرارشته‌ای است که به‌طور کلی بر روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد؛ روابطی که در تمام لحظات زندگی روزمره و در طول عمر انسان‌ها جریان دارد و رفتار و نگرش آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (حمیدی‌زاده، ۱۳۹۷).

در مفهوم مدرن‌تر، سرمایه اجتماعی شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین فردی و بین گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که قرین هم‌بستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی است (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶).

دقیق‌ترین مفهوم سرمایه اجتماعی مربوط به نظریه پاتنام است. از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی روابط بین افراد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتماد اجتماعی است که از این طریق حاصل می‌شود.

### ۴-۳. یارانه و سرمایه اجتماعی

در سال‌های اخیر، به دلیل گسترش اجرای سیاست‌های اقتصادی و واگذاری گسترده تر به بخش خصوصی، شاهد رشد فقر و نابرابری در بیشتر کشورهای جهان بوده‌ایم. به گفته بسیاری از متخصصان علوم اجتماعی و اقتصادی، ریشه گرفتاری‌ها و عقب‌ماندگی‌های بخش اعظم جمعیت کره زمین مرتبط با فقر است. فقر فقط به وجود آورنده عقب‌ماندگی

مادی، کم‌سودای، وضعیت نامناسب بهداشتی، بدبختی و فساد نیست؛ بلکه خود از آنها ناشی می‌شود و تشدیدشان می‌کند. پژوهشگران بر این باورند که فقر و نابرابری اصلی‌ترین سرچشمه ایجاد دیگر مشکلات اجتماعی است و شاید دلیل اصلی آنها باشد (نبوی و رازانی، ۱۳۸۹).

در جهان امروز، آثار مخرب نابرابری، فقر و کمبود رفاه بر کسی پوشیده نیست. وجود معضلات اجتماعی همچون فقر در طی زمان موجب به‌وجود آمدن نابرابری میان قشرهای مختلف جامعه می‌شود و زمینه آسیب به ریشه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن جامعه را فراهم می‌کند. در صورت افزایش نابرابری در حوزه عمومی، حس نارضایتی جایگزین احساس رضایت و امنیت اجتماعی می‌شود؛ چراکه هر اندازه توزیع ثروت و دارایی از منظر افراد جامعه ناعادلانه و نابرابر به نظر برسد، میزان هم‌بستگی و پایبندی افراد به داشتن زندگی و جامعه‌ای سالم ضعیف‌تر خواهد بود. این تعارضات در سطح وسیعی دولت را در پیشروی در مسیر اهدافش با بحران و ناکارآمدی مواجه می‌کند (بشریه، ۱۳۸۴). وجود ناامنی و نارضایتی ناشی از فقر و نابرابری در اجتماع زمینه بروز کاهش اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی را که از ویژگی‌های بارز سرمایه اجتماعی است، فراهم می‌آورد (نادمی، ۱۳۸۸).

سرمایه اجتماعی سنگ بنای جامعه مرفه و دولت کارآمد است و در سایه حفظ تقویت و انباشت این منبع ارزشمند است که جامعه می‌تواند از دستاوردهای توسعه و حکمرانی خوب بهره‌مند شود. از همین روی دولت همواره موظف است محیط اجتماعی اعتمادآوری را فراهم آورد که اعتمادپذیری، پایبندی به حفظ قول و قرارها، تمایل به همکاری و همیاری اعضای جامعه را سودمند و معنادار سازد (عباس‌زاده و کرمی، ۱۳۹۰).

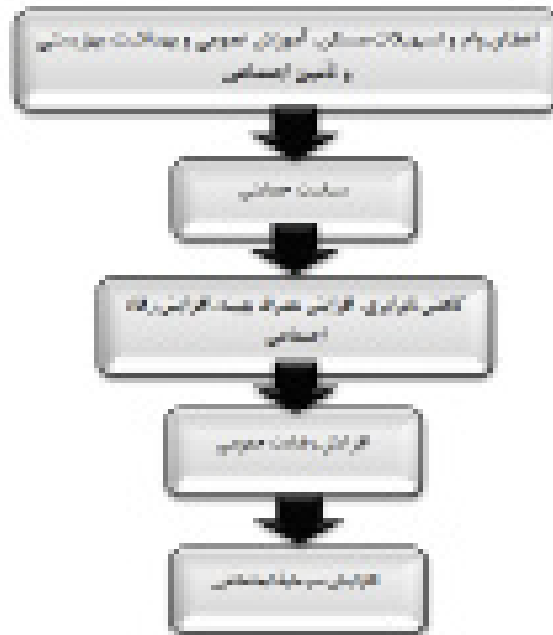
در مجموع با توجه به اثرات بسیار عمیق سرمایه اجتماعی در بسیاری از عرصه‌ها، می‌توان به تأثیر سرمایه اجتماعی، به‌منزله کالای عمومی و همگانی، در بهبود کارایی دولت پی برد. از طرف دیگر دولت نیز نقش سازنده‌ای در افزایش روند سرمایه اجتماعی دارد. دولت می‌تواند به‌وسیله اقدامات و سیاست‌های خود، در جهت تضعیف یا رشد و ارتقای این سرمایه مهم گام بردارد (خضری، ۱۳۸۴).

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، مسئله فقر و راه‌های ازمیان بردن آن که در دهه‌های اخیر اهمیت بیشتری در سیاست‌گذاری اقتصادی دنیا، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، یافته یکی از وظایف اصلی دولت‌ها برای تقویت و انباشت سرمایه اجتماعی است. در ایران نیز توجه به مسئله فقر و فقرزدایی متأثر از یک موج جهانی بوده که کشورهای در حال توسعه را بیش از سایر کشورها تحت تأثیر قرار داده است.

با تحقق انقلاب اسلامی ایران، برقراری عدالت اجتماعی و نابودسازی فقر به‌عنوان یکی از اهداف اساسی انقلاب، مورد توجه رهبران و سیاستمداران قرار گرفت و با توجه به شعارهای عدالت‌خواهانه مردم و مسئولان، ریشه‌کنی فقر و محرومیت از جامعه سیاست و استراتژی محوری و بنیادی در نظر گرفته شد؛ به‌طوری که در قانون اساسی در اصول سوم، بیست‌ونهم، سی‌ویکم و چهل‌وسوم به موضوعاتی مانند فقر، ایجاد رفاه، حق همگان در برخورداری از تأمین اجتماعی و مسکن اشاره شده است. اصل بیست‌ونهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دولت را مکلف می‌سازد نسبت به رفع فقر و تعمیم خدمات تأمین اجتماعی به همه قشرها اقدام نماید. یکی از برنامه‌های کشور برای مبارزه با فقر و کاهش آن سیاست پرداخت یارانه‌هاست که به پیشنهاد مشترک وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به استناد ماده ۹۵ قانون برنامه چهارم، در سال ۱۳۸۴ به تصویب هیئت وزیران رسید (نبوی و رازانی، ۱۳۸۹). همچنین در چارچوب سیاست‌ها، مؤلفه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی در جهت رونق تولید و اشتغال، رشد اقتصادی و رفاه عمومی و مردمی کردن اقتصاد، به اهمیت این موضوع اشاره شده است (کریم و امیری، ۱۳۹۶).

براساس مبانی نظری موجود در حوزه حمایت اجتماعی، سیاست پرداخت یارانه، به‌منزله یکی از سیاست‌های حمایتی دولت، اگر صحیح اجرا شود، موجب افزایش سرمایه اجتماعی خواهد شد. یارانه یکی از انواع ابزارهای حمایتی دولت است که دولت به‌وسیله آن می‌تواند برخی از کالاها و خدمات را به قیمت ارزان‌تر توزیع کند تا سطح مصرف کالاهای اساسی را از این طریق افزایش دهد و به توزیع عادلانه درآمد کمک کند. اگر پرداخت یارانه‌ها، به‌مثابه سیاست حمایتی، با مدیریت صحیح، منضبط، منسجم و پاسخ‌گو همراه باشد، به‌طور بالقوه می‌تواند با افزایش درآمد خانوارها، فقر و نابرابری درآمدی را در جامعه کاهش دهد و از طریق آزادسازی قیمت‌ها منجر به افزایش سطح بهره‌ی و افزایش رفاه اجتماعی گردد؛ و به همین ترتیب، میزان نارضایتی عمومی را در اجتماع کاهش دهد، اعتماد ملت به دولت را ارتقا ببخشد و سرمایه اجتماعی را نیز در سطح کشور افزایش دهد. بنابراین سیاست حمایتی یارانه صرفاً اقتصادی نیست. درواقع علاوه‌بر پیامدهای اقتصادی که اقتصاددانان آن را بررسی می‌کنند، تزریق پول به خانوارها تأثیرهای اجتماعی مختلفی به‌همراه دارد که یکی از آن‌ها را می‌توان تأثیرات پنهان اما مهم بر روابط و مناسبات اجتماعی نام برد (ازکیا و رودبارکی، ۱۳۹۳).

بنابراین مطابق آنچه بیان شد و همچنین با توجه به اهداف اجتماعی و اقتصادی حاصل از پرداخت یارانه‌ها و دیگر سیاست‌های حمایتی مذکور، آثار سیاست‌های حمایتی بر سرمایه اجتماعی در شکل ۱ آورده شده است.



شکل ۱. اثرات سیاست‌های حمایتی بر سرمایه اجتماعی (منبع: یافته‌های تحقیق)



## ۴. روش تحقیق

### ۴-۱. معرفی روش برآورد الگو

#### ۴-۱-۱. روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL)

بر مبنای ادبیات اقتصادسنجی، جهت تخمین الگو ابتدا باید آزمون‌های مانایی<sup>۱</sup> متغیرها صورت گیرد. چنانچه در برآورد مدل از متغیرهای نامانا استفاده شود، علی‌رغم نبود هیچ رابطه‌ای بین متغیرها، ضریب تعیین به دست آمده مقدار بالایی است؛ در نتیجه استنباط‌های غلطی ممکن است صورت گیرد (مواجه شدن با مسئله رگرسیون کاذب) (گجراتی، ۱۳۸۷). برای این منظور معمولاً از آزمون‌های دیکی فولر تعمیم یافته<sup>۲</sup> (ADF) و

۱. فرایند تصادفی هنگامی مانا است که گشتاورهای آن (میانگین و واریانس) در طول زمان ثابت باشد و مقدار کوواریانس بین دو دوره زمانی، تنها به وقفه بین دو دوره بستگی داشته باشد و ارتباطی به زمان واقعی محاسبه کوواریانس نداشته باشد (گجراتی، ۱۳۸۷).

2. Augmented Dickey-Fuller

فیلیپس پرون<sup>۳</sup> (PP) استفاده می‌شود. در صورت نامانا بودن، از روش تفاضل‌گیری برای رفع آن بهره گرفته می‌شود (نوفرستی، ۱۳۷۸). به‌منظور برآورد روابط بلندمدت بین متغیرهای الگو و تحلیل‌های پویا از روش خودرگرسیون با وقفه توزیعی (ARDL) استفاده می‌شود. در این روش، تعداد وقفه‌های بهینه توسط یکی از معیارهای آکائیک<sup>۴</sup>، شوارتز بیزین<sup>۵</sup> و حنان کوئین<sup>۶</sup> تعیین می‌گردد و در کوتاه‌مدت از الگوی تصحیح خطا<sup>۷</sup> (ECM) استفاده می‌شود که ضمن نشان دادن روابط پویایی کوتاه‌مدت، سرعت تعدیل به سمت بلندمدت را نیز نشان می‌دهد (تشکینی، ۱۳۸۴).

پسران و شین (۲۰۰۱) با استفاده از روش خودرگرسیون برداری با وقفه‌های گسترده (ARDL) و با منظور کردن وقفه‌های مناسب نشان دادند که می‌توان ضرایب بلندمدت سازگاری میان متغیرهای مورد نظر در یک مدل را به‌دست آورد و این درحالی است که روش مذکور بدون توجه به  $I(0)$  یا  $I(1)$  بودن متغیرهای مدل انجام می‌شود (نوفرستی، ۱۳۷۸).

در مطالعه حاضر، برای بررسی هم‌گرایی و روابط بلندمدت بین متغیرهای توضیحی و نرخ خودکشی در دوره زمانی ۱۳۵۳ تا ۱۳۹۳ از روش ARDL برای متغیرها استفاده شده است. ARDL الگویی پویا بوده و شکل کلی آن به این صورت است (تشکینی، ۱۳۸۴):

$$\phi(1, p)y_t = \sum_{i=1}^k b_i (1, q_i)x_{it} + \alpha w_t + u_t \quad (1)$$

$$\phi(1, p) = 1 - \phi_1 L - \phi_2 L^2 + \dots + \phi_p L^p \quad (2)$$

$$b_i(L, q_i) = b_i + b_{i1} L + \dots + b_{iq} L^q \quad i = 1, 2, 3, \dots, k \quad (3)$$

در اینجا،  $L$  عملگر وقفه و  $w_t$  بردار متغیرهای غیرتصادفی مانند عرض از مبدأ، متغیر مجازی و سایر متغیرهای برون‌زا با وقفه‌های ثابت است.  $y_t$  متغیر وابسته و  $x_{it}$  متغیرهای

- 
3. Phillips-Perron
  4. Akaike
  5. Schwarz
  6. Hannan-Quinn
  7. Error Correction Model

مستقل است.  $p$  و  $q_i$  به ترتیب تعداد وقفه‌های متغیر وابسته و مستقل است. برای برآورد الگو، ابتدا باید حداکثر طول وقفه مدل ( $m$ ) توسط محقق تعیین گردد و سپس با استفاده از نرم‌افزار Microfit برای تمام ترکیبات ممکن مقادیر  $p=0,1,2,\dots,m$  و  $i=1,2,\dots,k$  به تعداد  $(m+1)^{k+1}$  معادله به روش حداقل مربعات معمولی (OLS) برآورد شود. در ادامه تعداد وقفه‌های بهینه با استفاده از یکی از معیارهای آکائیک، شوارتز بیزین، حنان کوئین و یا ضریب تعیین تعدیل‌شده انتخاب می‌شوند. پسران و شین (۱۹۹۵) در مورد تصریح وقفه‌های الگو، به کارگیری معیار اطلاعاتی شوارتز بیزین را پیشنهاد می‌کنند؛ زیرا این ضابطه در تعداد وقفه‌ها صرفه‌جویی می‌کند و باعث می‌شود تا درجه آزادی زیادی از دست نرود. برای محاسبه ضرایب بلندمدت مدل، از همان مدل پویا استفاده می‌شود. ضرایب بلندمدت مربوط به متغیرهای  $X$  از رابطه ۴ به دست می‌آید.

$$\theta_i = \frac{\hat{b}_i(1,q_i)}{1-\hat{\theta}(1,p)} = \frac{\hat{b}_{i0}+\hat{b}_{i1}+\dots+\hat{b}_{iq}}{1-\hat{\theta}_1-\dots-\hat{\theta}_p} \quad i = 1,2,\dots,k \quad (4)$$

حال برای بررسی وجود رابطه بلندمدت، می‌توان از روش پسران و دیگران (۱۹۹۶) استفاده کرد. در این روش، وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مورد بررسی به وسیله محاسبه آماره  $F$ ، برای آزمون معناداری وقفه‌های متغیرها در فرم تصحیح خطا، مورد آزمایش قرار می‌گیرد. نکته مهم این است که توزیع  $F$  یادشده غیراستاندارد است. پسران و پسران (۱۹۹۷) مقادیر بحرانی مناسب را متناظر با تعداد رگرسورها و اینکه مدل شامل عرض از مبدأ و روند است یا خیر، محاسبه کردند. آن‌ها دو گروه از مقادیر را ارائه کردند: یکی بر این اساس که تمامی متغیرها ایستا هستند و دیگری بر این مبنا که همگی غیرایستا (با یک بار تفاضل‌گیری ایستا شده) هستند. اگر  $F$  محاسباتی در خارج این مرز قرار بگیرد، یک تصمیم قطعی بدون نیاز به دانستن اینکه متغیرها  $I(0)$  یا  $I(1)$  باشند، گرفته می‌شود. چنانچه  $F$  محاسباتی فراتر از محدوده بالایی قرار بگیرد، فرضیه صفر مبنی بر نبود رابطه بلندمدت رد می‌شود و اگر پایین‌تر از محدوده پایینی باشد، فرضیه صفر یادشده پذیرفته می‌شود. اگر هم  $F$  محاسباتی در بین دو محدوده قرار گیرد، نتایج استنباط غیرقطعی و وابسته به این است که متغیرها  $I(0)$  یا  $I(1)$  باشند (تشکینی، ۱۳۸۴).

مزیت بسیار مهم روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده، در بین روش‌های هم‌جمعی آن است که این روش بدون در نظر گرفتن این بحث که متغیرهای مدل،  $I(0)$  یا  $I(1)$  هستند، کاربردی است. به عبارت دیگر، در این روش نیازی به تقسیم متغیرها به متغیرهای هم‌بسته از درجه صفر و یک نیست (همان).

## ۲-۴. معرفی الگو و متغیرها

الگوی نهایی استخراج‌شده جهت برآورد تأثیر سیاست‌های حمایتی یارانه‌ای بر سرمایه اجتماعی با استناد به الگوی هریسون و دیگران (2018) به صورت رابطه ۵ ارائه می‌گردد.

$$\ln CS = \alpha + \beta_1 \ln SE + \beta_2 \ln HE + \beta_3 \ln EDE + \beta_4 \ln HeE + \beta_5 \ln TS + \beta_6 \ln Y_i + \beta_7 \ln Gini + \beta_8 \ln INF + \epsilon_i \quad (5)$$

که در آن:

SC: شاخص سرمایه اجتماعی

LSE: لگاریتم مخارج دولت در بخش بهزیستی و تأمین اجتماعی (میلیارد ریال)

LHE: لگاریتم مخارج دولت در بخش مسکن (میلیارد ریال)

LHEE: لگاریتم مخارج دولت در بخش بهداشت (میلیارد ریال)

LTS: لگاریتم یارانه‌های پرداختی دولت (میلیارد ریال)

GINI: ضریب جینی (درصد)

LYI: لگاریتم درآمد ملی سرانه (میلیارد ریال)

INF: نرخ تورم (درصد)

شایان ذکر است که داده‌های مورد نیاز از سالنامه‌های آماری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و همچنین پایگاه اطلاعاتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران جمع‌آوری شده و دوره مورد بررسی از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶ است.

برای محاسبه شاخص سرمایه اجتماعی، با بررسی مطالعات مختلف، عوامل اثرگذار بر سرمایه اجتماعی استخراج و در چارچوب سه مؤلفه سرمایه اجتماعی، یعنی اعتماد، انسجام و مشارکت اقتصادی، دسته‌بندی شد و درنهایت با استفاده از روش تحلیل عاملی وزنی، اقدام به محاسبه شاخص سرمایه اجتماعی شد. این عوامل در جدول ۱ ارائه شده است.

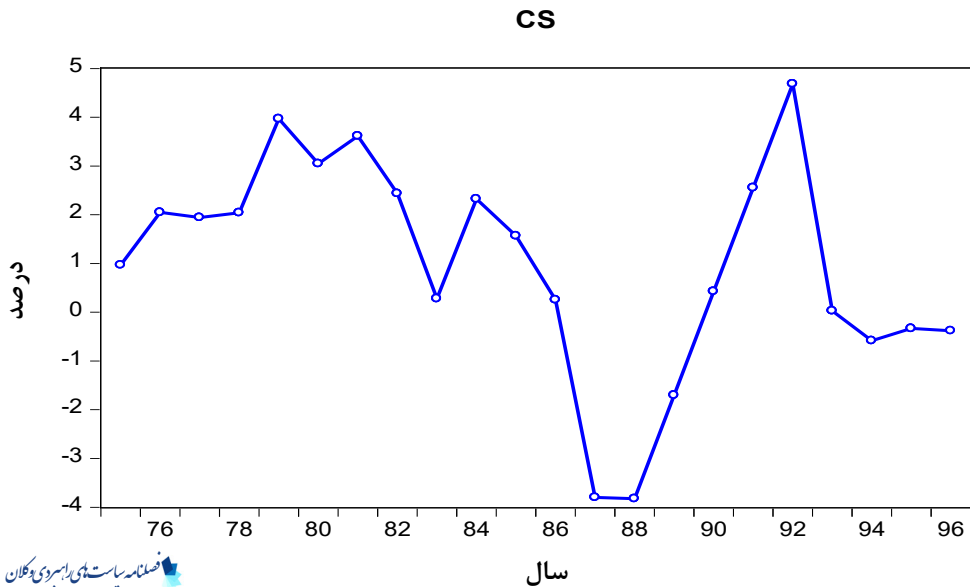
## جدول ۱. متغیرهای شاخص سرمایه اجتماعی

متغیر	نماد
معکوس سرانه قتل عمد	نمادی برای انحراف اجتماعی و نبود اعتماد عمومی در جامعه
معکوس سرانه ایراد ضرب و جرح	نمادی برای انحراف اجتماعی و فقدان اعتماد عمومی در جامعه
معکوس سرانه ایجاد تخریب	نمادی برای انحراف اجتماعی و نبود اعتماد عمومی در جامعه
معکوس سرانه اعمال منافی عفت	نمادی برای انحراف اجتماعی و فقدان اعتماد عمومی در جامعه
معکوس سرانه اختلاس و ارتشا	نمادی برای اعتماد در سطح میانی، اعتماد در معاملات و دارای تأثیر مستقیم بر جامعه
معکوس سرانه سرقت	نمادی برای انحراف اجتماعی و نبود اعتماد عمومی در جامعه
معکوس سرانه تصرف عدوانی و مزاحمت	نمادی برای انحراف اجتماعی و فقدان اعتماد عمومی در جامعه
معکوس سرانه صدور چک بلا محل	نمادی برای عدم اعتماد در معامله
معکوس سرانه طلاق	نمادی برای مقدار عمق اعتماد در خانواده
سرانه تماشاگران فیلم در سینما	نمادی برای مشارکت از بُعد فرهنگی
سرانه اعضای کتابخانه	نمادی برای مشارکت اجتماعی و دسترسی به اطلاعات
سرانه مراجعه به کتابخانه	نمادی برای عمق مشارکت
نسبت درآمدهای مالیاتی از کل درآمدهای عمومی کشور	نمادی برای اعتماد به دولت و مشارکت اجتماعی
شاخص فضای کسب و کار	نمادی برای اعتماد بخش خصوصی به بخش دولتی

(منبع: یافته‌های تحقیق)



شکل ۲ روند شاخص سرمایه اجتماعی را برای کشور ایران طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶ نشان می‌دهد.



شکل ۲. روند شاخص سرمایه اجتماعی کشور طی دوره زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶ (منبع: یافته‌های تحقیق)

## ۵. یافته‌های تجربی تحقیق

نخستین مرحله در برآورد الگوی سری زمانی، بررسی ایستایی متغیرهای آن الگوست. به‌طور کلی هر سری زمانی هنگامی ایستا نامیده می‌شود که میانگین و واریانس آن در طی زمان ثابت باشد و مقدار کوواریانس بین دو دوره زمانی، تنها به فاصله یا وقفه بین دو دوره بستگی داشته و ارتباطی به زمان واقعی محاسبه کوواریانس نداشته باشد. در این مطالعه، برای تشخیص ایستایی متغیرهای سری زمانی از آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته استفاده شده که نتایج آن در جدول ۲ قابل مشاهده است. طول وقفه براساس معیار شوارتز (SIC) تعیین شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون دیکی فولر تعمیم‌یافته

متغیرها	آماره ADF	مقادیر بحرانی			بررسی مانایی
		٪۱	٪۵	٪۱۰	
SC	-۱/۷۷ (۰/۶۸)	-۴/۶۴	-۳/۶۴	-۳/۲۶	نامانا
D(SC)	-۴/۲۸ (۰/۰۱۵)	-۴/۴۹	-۳/۶۵	-۳/۲۶	مانا
LSE	-۴/۱۷ (۰/۰۱۷)	-۴/۶۴	-۳/۶۵	-۳/۲۶	مانا
LHE	-۲/۷۶ (۰/۲۲)	-۴/۶۴	-۳/۶۴	-۳/۲۶	نامانا
D(LHE)	-۵/۱۱ (۰/۰۰۳)	-۴/۵۳	-۳/۶۷	-۳/۲۷	مانا
LEDE	-۲/۸۰ (۰/۲۱)	-۴/۴۹	-۳/۶۵	-۳/۲۶	نامانا
D(LEDE)	-۳/۶۸ (۰/۰۴)	-۴/۵۳	-۳/۶۷	-۳/۲۶	مانا
LHEE	-۳/۵۷ (۰/۰۵)	-۴/۶۴	-۳/۶۴	-۳/۲۶	مانا
LTS	-۱/۰۹ (۰/۹۰)	-۴/۶۴	-۳/۶۴	-۳/۲۶	نامانا
D(LTS)	-۴/۴۱ (۰/۰۱)	-۴/۴۹	-۳/۶۵	-۳/۲۶	مانا
GINI	-۲/۴۴ (۰/۳۴)	-۴/۶۴	-۳/۶۴	-۳/۲۶	نامانا
D(GINI)	۲۹-۵ (۰/۰۰۲)	-۴/۴۹	-۳/۶۵	-۳/۲۶	مانا
LYI	۰/۲۸ (۰/۹۸)	-۴/۶۴	-۳/۶۴	-۳/۲۶	نامانا
D(YI)	-۴/۹۲ (۰/۰۰۴)	-۴/۴۹	-۳/۶۵	-۳/۲۶	مانا
INF	-۳/۲۰ (۰/۱۱)	-۴/۴۹	-۳/۶۵	-۳/۲۶	نامانا
D(INF)	-۴/۰۴ (۰/۰۲)	-۴/۴۹	-۳/۶۵	-۳/۲۶	مانا

همان‌طور که نتایج **جدول ۲** نشان می‌دهد، آزمون ADF برای تک‌تک متغیرها صورت گرفته است و متغیرهای LSE و LHEE در سطح و سایر متغیرهای مدل با یک بار تفاضل‌گیری ایستا شده‌اند. پس از بررسی ایستایی متغیرهای سری زمانی، در ادامه به برآورد مدل کوتاه‌مدت براساس روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده پرداخته شده است. نتایج این مدل برپایه یک وقفه بهینه در **جدول ۳** آمده است.

**جدول ۳. نتایج حاصل از رابطه کوتاه‌مدت**

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	(prob)	آماره t
CS (-1)	۰/۱۶۵	۰/۰۹۵	(۰/۱۱۹)	۱/۷۷
LSE	-۲/۶۳	۲/۱۱	-۱/۲۴	(۰/۲۵۲)
LHE	۰/۶۵۹	۰/۸۰۶	۰/۴۴۱	(۰/۸۱۷)
LEDE	-۵/۱۱	۱/۱۴	۴/۴۴	(۰/۰۰۳)
LHEE	۱۰/۹۰	۲/۰۳	۵/۳۷	(۰/۰۰۱)
LTS	۴/۰۲	۲/۲۸	۱/۷۶	(۰/۱۲۱)
LTS (-1)	-۲/۲۸	۲/۱۴	۱/۰۶	(۰/۳۲۳)
GINI	۱۰۷/۲۳	۱۷/۲۹	۶/۲۰	(۰/۰۰۰)
GINI (-1)	-۱۳۰/۴۴	۲۱/۴۶	۶/۰۷	(۰/۰۰۱)
LYI	-۲/۲۷	۰/۴۰۴	-۵/۶۲	(۰/۰۰۱)
LYI (-1)	-۱/۱۸	۰/۳۰۶	-۳/۸۶	(۰/۰۰۶)
INF	۰/۲۱۸	۰/۰۲۹	۷/۵۱	(۰/۰۰۰)
INF (-1)	-۰/۲۳	۰/۰۴۱	-۵/۶۲	(۰/۰۰۱)
T	-۰/۷۵۴	۰/۱۵۰	-۵/۰۱	(۰/۰۰۲)

$$h(DW) = -۳/۲۱ \quad R^2 = ۰/۹۸ \quad R^{-2} = ۰/۹۵$$

با توجه به نتایج جدول ۳، متغیرهای مخارج دولت در بخش بهزیستی و تأمین اجتماعی و آموزش در سطح دارای اثر منفی بر سرمایه اجتماعی است و مخارج دولت در بخش مسکن و بهداشت نیز در سطح رابطه مثبتی با سرمایه اجتماعی دارد. همچنین مخارج یارانه‌ای در سطح دارای اثر مثبتی بر سرمایه اجتماعی است و با یک دوره وقفه، این رابطه منفی می‌گردد. متغیر درآمد ملی سرانه نیز در سطح و با یک دوره وقفه، دارای اثر منفی بر سرمایه اجتماعی است.

مقادیر بالای ضرایب تعیین نشان‌دهنده آن است که متغیرهای مستقل موجود در مدل قدرت توضیح‌دهندگی زیادی در نرخ خودکشی دارند. آماره F محاسباتی حاکی از معنادار بودن کل رگرسیون برآوردی است. به دلیل حضور وقفه‌های متغیر وابسته، از آماره  $h$ -دوربین واتسون<sup>۸</sup> استفاده شده که مقدار آن دال بر نبود خودهم‌بستگی بین جملات اخلال است.

جهت حصول اطمینان از برقراری فروض کلاسیک (نبود خودهم‌بستگی، فرم تبعی صحیح، توزیع نرمال جملات پسماند و همسانی واریانس) می‌توان از آماره‌های تشخیص استفاده کرد. نتایج این آزمون‌ها در جدول ۴ ارائه شده است.

#### جدول ۴. نتایج حاصل از آماره‌های تشخیص

آزمون LM		آزمون F		فروض کلاسیک
(prob)	آماره	(prob)	آماره F	فرضیه صفر
(۰/۰۰۰)	۱۴/۲۶	(۰/۰۱۲)	۱۲/۷۰	عدم خودهم‌بستگی
(۰/۱۶۱)	۱/۹۶	(۰/۴۶۱)	۰/۶۱۹	تصریح مدل
(۰/۵۴۹)	۱/۱۹۹	—	—	نرمالیتی
(۰/۱۵۳)	۲/۰۴	(۰/۱۶۸)	۲/۰۵	همسانی واریانس

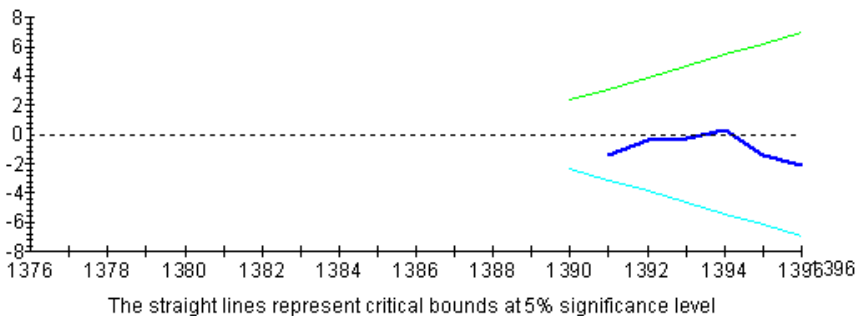
از آنجایی که احتمال مربوط به آزمون‌های خودهم‌بستگی، ناهمسانی واریانس، تورش تصریح و نرمالیتی بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه صفر این آزمون مبنی بر نبود خودهم‌بستگی، ناهمسانی واریانس، عدم تورش تصریح و نرمالیتی را نمی‌توان رد کرد و مدل برآوردی فروض کلاسیک را تأمین می‌کند.

برای اطمینان از ثبات ساختاری مدل، آزمون‌های مجموع پسماند تجمعی بازگشتی<sup>۹</sup> CUSUM و

۸. دامنه مورد پذیرش برای  $h$ -دوربین واتسون بین ۱/۹۶ و ۱/۹۶- است.

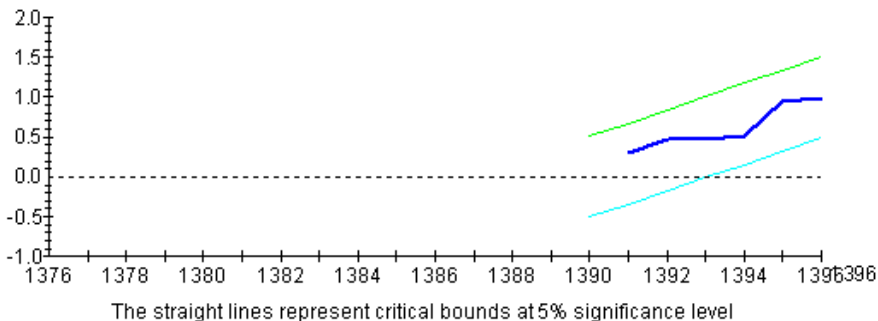
#### 9. Cumulative Sum of Recursive Residual (CUSUM)

مجذور پسماند تجمعی بازگشتی  $CUSUMSQ^{10}$  که منعکس‌کننده ثبات در ضرایب تخمینی در طول دوره مورد بررسی هستند، انجام شده است. این آزمون‌ها که هنسن<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۲) آن‌ها را ارائه کرده، بیان می‌کند پارامترهای تخمین زده شده در یک سری زمانی ممکن است در طی زمان تغییر کنند و پارامترهای بی‌ثبات نیز ممکن است به عدم تشخیص صحیح منجر شود؛ لذا انجام آزمون ثبات پارامتری ضروری به نظر می‌رسد. اگر نمودارهای ارائه شده داخل فاصله اطمینان ۹۵ درصد باشند، فرضیه صفر مبنی بر وجود ثبات ساختاری را نمی‌توان رد کرد و اگر نمودارها از فاصله اطمینان بیرون زده باشند یا به عبارتی فاصله اطمینان را قطع کرده باشند، فرضیه صفر را می‌توان رد کرد.



فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شکل ۳. نتایج پایداری الگو با استفاده از آزمون CUSUM



فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شکل ۴. نتایج پایداری الگو با استفاده از آزمون CUSUMQ

10. Cumulative Sum of Squares of Recursive Residuals (CUSUMQ)

11. Hansen

همان‌گونه که در شکل ۳ و ۴ مشاهده می‌شود، به دلیل قرار گرفتن منحنی مورد نظر بین کرانه‌های بالا و پایین فاصله اطمینان، الگوی برآوردی از پایداری مناسبی برخوردار است.

قبل از بحث درباره وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای موجود در الگو، لازم است آزمون وجود هم‌گرایی بلندمدت بین متغیرهای موجود صورت گیرد. برای انجام آزمون هم‌گرایی از روش بنرجی، دولادو و مستر<sup>۱۲</sup> (۱۹۹۲) استفاده شده است. به این منظور، با استفاده از مدل ARDL، الگوی پویای رابطه مبادله خالص برآورد شده است. در آزمون بنرجی، دولادو و مستر، فرضیه صفر بیانگر وجود هم‌انباشتگی یا رابطه بلندمدت است؛ زیرا شرط آنکه رابطه پویای کوتاه‌مدت به سمت تعادل بلندمدت گرایش دارد، آن است که مجموع ضرایب کمتر از ۱ باشد. برای انجام آزمون مورد نظر باید عدد ۱ را از مجموع ضرایب باوقفه متغیر وابسته کم کرد و بر مجموع انحراف معیار ضرایب مذکور تقسیم کرد.

$$t = \frac{\sum_{i=1}^k Q^{\sim} - 1}{\sum_{i=1}^p S Q^{\sim}} \quad (6)$$

اگر قدر مطلق  $t$  به دست آمده از قدر مطلق مقادیر بحرانی ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر (۱۹۹۲) بزرگ‌تر باشد، فرضیه صفر مبنی بر نبود هم‌انباشتگی رد می‌شود و وجود رابطه بلندمدت مورد پذیرش قرار می‌گیرد<sup>۱۳</sup> (تشکینی، ۱۳۸۴).

در برآورد مدل حاضر نیز، آماره محاسباتی برابر با ۷/۱۲- است که قدر مطلق آن از قدر مطلق مقدار بحرانی ارائه شده توسط بنرجی، دولادو و مستر (۴/۵۲- در سطح ۹۵ درصد) بزرگ‌تر است؛ بنابراین فرضیه صفر مبنی بر نبود هم‌انباشتگی (رابطه بلندمدت) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود و وجود رابطه بلندمدت پذیرفته می‌شود. نتایج برآورد مدل بلندمدت در جدول ۵ بیان شده است.

## 12. Banerjee, Dolado & Maŕster

۱۳. جهت رد یا پذیرش مقدار،  $t$  به دست آمده از برآورد با مقادیر بحرانی  $t$  موجود در جداول مربوط به آزمون  $t$  در کتب آماری با توجه به سطوح معناداری (۱، ۵ و ۱۰ درصد) مقایسه می‌شود. اگر  $t$  به دست آمده از برآورد از مقادیر موجود در جدول بیشتر باشد، نشان دهنده معنادار بودن است و در غیر این صورت، معنادار نیست. همچنین می‌توان به این صورت هم عمل کرد: اگر قدر مطلق  $t$  به دست آمده بیشتر از ۲ باشد، می‌توان گفت متغیر مورد نظر معنادار است (البته به سطح معنادار بودن بستگی دارد).

## جدول ۵. نتایج حاصل از برآورد ضرایب بلندمدت مدل

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	Prob
LSE	-۳/۱۵۹	۲/۶۶	(۰/۰۴۵)
LHE	۰/۷۸۹	۰/۹۷۵	(۰/۴۴۵)
LEDE	-۶/۱۲	۱/۱۵	(۰/۰۰۱)
LHEE	۱۳/۰۷	۲/۹۳	(۰/۰۰۳)
LTS	۲,۰۸	۱/۹۳	(۰/۰۱۶)
GINI	-۲۷/۸۱	۱۷/۶۴	(۰/۰۵۹)
LYI	-۴/۱۴	۰/۶۷۸	(۰/۰۰۰)
INF	-۰/۰۱۸	۰/۰۶۳	(۰/۷۷۸)
T	-۰/۹۰۴	۰/۲۳	(۰/۰۰۷)

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

(منبع: یافته‌های تحقیق)

نتایج حاصل از برآورد رابطه بلندمدت مدل نشان می‌دهد مخارج دولت در بخش بهزیستی و تأمین اجتماعی (LSE) در بلندمدت، رابطه منفی با سرمایه اجتماعی دارد؛ به طوری که با افزایش یک واحدی در LSE، سرمایه اجتماعی به میزان ۱۵۹,۳ واحد کاهش خواهد یافت. این نتیجه برخلاف انتظارات تئوریک است. دلیل این موضوع ممکن است تخصیص غیر بهینه و توزیع نامناسب این منابع در بین بخش‌های مختلف باشد؛ به نحوی که اگرچه انتظار می‌رود این مخارج موجب بهبود و ارتقای سرمایه اجتماعی شود، بی‌توجهی به اولویت‌ها در این بخش، منجر به دست نیافتن به این هدف می‌شود و همچنین افرادی که دسترسی کمتری به امکانات بهزیستی و تأمین اجتماعی دارند، میزان رضایتمندی و رفاه اجتماعی‌شان تنزل می‌یابد و سرانجام با کاهش میزان رضایت عمومی و سطح رفاه، سرمایه اجتماعی نیز کاستی می‌گیرد.

حمایت‌ها و مخارج دولت در بخش آموزش نیز در بلندمدت رابطه منفی با سرمایه اجتماعی دارد؛ یعنی با ۱ واحد افزایش مخارج دولت در بخش آموزش، سرمایه اجتماعی به میزان ۱۲,۶ واحد کاهش خواهد یافت که این نتیجه با انتظارات تئوریک سازگار نیست؛ به عبارتی انتظار می‌رود با افزایش مخارج و حمایت‌های دولت در بخش آموزش، سطح سواد، آگاهی و اطلاعات افراد جامعه افزایش یابد و به تبع آن میزان رضایت عمومی هم فزونی گیرد که نتیجه آن ارتقای سطح سرمایه اجتماعی در جامعه است.

دلیل این ناسازگاری در نتایج ممکن است بی‌توجهی دولت به تخصیص بهینه این حمایت‌ها در بین بخش‌ها و مناطق و استان‌های مختلف و همچنین بی‌اعتنایی به آموزش‌های عمومی و کاربردی متناسب با پتانسیل‌های جامعه باشد که به افزایش روحیه خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در بین افراد منجر می‌شود. به عبارتی هر قدر حمایت‌های دولت در راستای آموزش‌های عمومی و خلاقیت‌محور باشد، موجب افزایش کمیت و کیفیت افراد کارآفرین در جامعه می‌شود که نتیجه آن افزایش اشتغال و رضایت عمومی خواهد بود که با خود رشد و توسعه را به همراه خواهد آورد. بنابراین آموزش باید در جهت توانمندسازی افراد و دانشجویان در زمینه تدارک مشاغل و فناوری‌های نوین و پرکاربرد جامعه باشد و نه صرفاً مباحثی که جنبه نظری دارند؛ چراکه آموزش مباحث صرفاً نظری موجب کاهش سطح تخصص میان دانش‌آموختگان می‌گردد و در نتیجه سطح بیکاری را نیز افزایش می‌دهد. به همین ترتیب، این سیاست حمایتی موجب رواج مدرک‌گرایی، ناامیدی و نارضایتی دانش‌آموختگان خواهد شد و در نهایت بر میزان سرمایه اجتماعی تأثیر منفی خواهد گذاشت.

همچنین طبق نتایج حاصل از برآورد بلندمدت مدل، مخارج و حمایت‌های دولت در بخش مسکن (LHE) و بهداشت (LHEE) در بلندمدت رابطه مثبتی با سرمایه اجتماعی دارد؛ به طوری که افزایش یک‌واحدی در LHE و LHEE سرمایه اجتماعی را به ترتیب به میزان  $0/789$  واحد و  $13/07$  واحد افزایش خواهد داد. در واقع با حمایت‌ها و مخارج دولت در بخش‌های مسکن و بهداشت، بهره‌مندی افراد از امکانات رفاهی در بخش مسکن و در نتیجه رفاه اجتماعی افزایش خواهد یافت. همچنین دسترسی به امکانات بهداشتی و سلامت نیز موجب افزایش امید به زندگی و رضایتمندی افراد جامعه خواهد شد و بدین ترتیب، سرمایه اجتماعی ارتقا خواهد یافت.

یارانه‌ها، به‌عنوان یکی دیگر از سیاست‌های حمایتی دولت، در بلندمدت رابطه مثبت با سرمایه اجتماعی دارد؛ به طوری که ۱ واحد افزایش در میزان یارانه‌ها سرمایه اجتماعی را  $2/07$  واحد افزایش خواهد داد. در واقع یارانه‌ها به دلیل افزایش در میزان درآمد افراد، زمینه‌های افزایش رفاه و مصرف را در جامعه پدید می‌آورد که این عوامل بالقوه نقش مثبتی در افزایش میزان سرمایه اجتماعی خواهد داشت. همان‌طور که پاتنام اشاره کرده است، هر چه دایره رفاه اجتماعی در جامعه گسترده‌تر و عادلانه‌تر باشد، دایره سرمایه اجتماعی نیز فراخ‌تر می‌گردد.

ضریب جینی نیز، به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر سرمایه اجتماعی، در بلندمدت رابطه منفی با سرمایه اجتماعی دارد و با کاهش ضریب جینی (بهبود توزیع درآمد)، سطح سرمایه اجتماعی افزایش پیدا خواهد کرد.



همچنین براساس نتایج بلندمدت، درآمد ملی سرانه با سرمایه اجتماعی رابطه منفی دارد که این نتیجه هم با نظریه‌های اقتصادی سازگاری ندارد و از نظر تئوریک، انتظار می‌رود با افزایش درآمد سرانه، سطح رفاه و قدرت خرید افراد افزایش یابد. اما از تحلیل‌های اقتصادی مشهود است که افزایش درآمد سرانه، درآمد افراد ثروتمند را بیشتر از افراد فقیر جامعه افزایش داده که این خود ناشی از توزیع ناعادلانه درآمد است. گسترش توزیع ناعادلانه درآمد و توسعه رانت منجر به کاهش تولید و اشتغال و نتیجه این امر موجب افزایش نارضایتی عمومی در سطوح مختلف جامعه می‌شود که این موضوع در نهایت سطح سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد. به عبارتی اگرچه در طی سال‌های مورد بررسی به واسطه افزایش صادرات نفتی و غیرنفتی، سطح درآمد ملی افزایش یافته، این رشد در درآمد در سید درآمدی خانوارها و افراد به صورت کامل ظاهر نشده و نتیجه آن افزایش فقر، شکاف درآمدی و کاهش سرمایه اجتماعی بوده است.

برای مقایسه رفتار کوتاه‌مدت متغیرها با مقادیر بلندمدت، از الگوی تصحیح خطای مرتبط با رابطه کوتاه‌مدت استفاده شده است. با توجه به نتایج، اگر ECM از نظر آماری معنادار و منفی باشد، بیانگر سرعت تعدیل بالاست و همچنین معنادار بودن ضریب ECM نشان‌دهنده وجود رابطه بلندمدت و معنادار بین متغیرهای الگوست. برپایه نتایج، ضریب  $(-1)$  ECM برابر با  $0/83-$  است که نشان می‌دهد در صورت بروز شوک ناگهانی در کوتاه‌مدت، در هر دوره از اثر شوک تبدیل می‌شود و تقریباً در طول یک دوره الگوی کوتاه‌مدت به سمت الگوی بلندمدت هم‌گرا خواهد شد.

## ۶. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت و نقش سرمایه اجتماعی در پیشبرد اهداف کشور و همچنین تأثیر سیاست‌های حمایتی بر ارتقای سرمایه اجتماعی، هدف از این مطالعه بررسی تأثیر راهبردهای حمایتی سرمایه اجتماعی با تأکید بر سیاست‌های یارانه‌ای در ایران، در بازه زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۶، با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی بوده است.

نتایج حاصل از برآورد مدل بلندمدت نشان می‌دهد رابطه مخارج و حمایت‌های دولت، در بخش بهزیستی تأمین اجتماعی و آموزش، با سرمایه اجتماعی منفی است و حمایت‌های دولت در بخش مسکن، بهداشت و یارانه‌ها رابطه مثبتی با سرمایه اجتماعی دارد. همچنین متغیر درآمد ملی سرانه و ضریب جینی بر سرمایه اجتماعی اثری منفی دارد. بنابراین در مجموع به‌منظور افزایش سرمایه اجتماعی در کشور، توجه به تمام حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی و آثار آن‌ها بر ابعاد زندگی خانوارها مهم و ضروری است.

## ۷. پیشنهادها

پیشنهادها و توصیه‌های سیاست‌گذاری برگرفته از نتایج مدل این مطالعه به این شرح است:

- با توجه به رابطه منفی میان متغیر حمایت اجتماعی و بهزیستی با سرمایه اجتماعی، پیشنهاد می‌شود دولت در راستای این سیاست حمایتی مکانیسمی را طراحی کند که بیشترین بازده و ضرورت را دارا باشد. برخی گروه‌ها و قشرهای جامعه نیازمند حمایت‌های مستقیم دولت هستند؛ بنابراین اتخاذ استراتژی مناسب در جهت افزایش مزایای مناطق محروم و پوشش تمامی قشرهای نیازمند در این زمینه، اثرات مثبتی بر سرمایه اجتماعی خواهد گذاشت. به عبارتی بازنگری در اولویت‌های دولت در این بخش و هدایت منابع مربوط به این بخش به سمت گروه‌های نیازمند واقعی در راستای افزایش رضایت عمومی این گروه حرکت می‌کند و در کنار تخصیص بهینه و توزیع مناسب، موجبات افزایش سرمایه اجتماعی خواهد شد.

با توجه به اهمیت سیاست آموزش همگانی پیشنهاد می‌شود دولت با شناسایی مناطق محروم و افزایش سرمایه‌گذاری و ایجاد تسهیلات لازم در این زمینه، راه‌های دسترسی افراد فقیر این مناطق را به خدمات آموزشی هموار سازد. همچنین با توجه به مشکل بیکاری بسیاری از دانش‌آموختگان، دولت می‌تواند در سیاست‌های حمایتی خود در زمینه آموزش به مباحث عملی و منطبق با فناوری‌های جدید بپردازد تا بر این اساس، انگیزه لازم برای دانش‌آموختگان را فراهم آورد و همچنین به وسیله این سیاست حمایتی سطح اشتغال را در کشور بهبود بخشد و سرمایه اجتماعی را نیز از این طریق افزایش دهد. همچنین هدایت این حمایت‌ها به سمت مناطق و گروه‌های محروم و تلاش در جهت گسترش آموزش‌های عمومی و تخصصی و همچنین تمرکززدایی آموزشی می‌تواند به پیشبرد این اهداف کمک نماید.

- با توجه به اهمیت سیاست پرداخت یارانه‌ها و نیز مزایا و معایب این سیاست و با عنایت به اینکه هدف از اجرای این سیاست افزایش رفاه و کاهش فقر و نابرابری در جامعه و حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر بوده، دولت می‌تواند با بررسی تمام جنبه‌های این سیاست شرایطی را فراهم آورد که این پرداخت‌ها باعث افزایش توانمندی قشرهای کم‌درآمد و آسیب‌پذیر گردد. در واقع جایگزین کردن سیاست‌های حمایتی بهتر با سیاست‌های تورم‌زا، سطح درآمد واقعی و رفاه خانوارها را در جامعه افزایش می‌دهد و به همین ترتیب با افزایش در سطح درآمدها، میزان سرمایه اجتماعی نیز رو به فزونی خواهد رفت. به نظر می‌رسد به منظور نیل به این اهداف، دولت باید سازوکاری دقیق با حداقل خطا را برای شناسایی قشرهای نیازمند حمایت‌های یارانه‌ای برنامه‌ریزی و ایجاد کند.

## ملاحظات اخلاقی

### حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

### مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

### تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

### تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.

## References

- Abaszadeh, H., & Karami, K. (2011). "Social capital and sustainable national security". *Journal of the Macro and Strategic Policies*, 1, 31-58. (Persian)
- Abdolahi, M., & Mousavi, M. (2007). "Social capital in Iran: current situation, future prospect, and the possibility of passing through". *Social Welfare Quarterly* 25, 195-233. (Persian)
- Ahmadi Shadmehri, M., & Davoodi, A. (2015). "The role governmental expenditure on building socioeconomic infrastructures and reducing poverty in Iran". *Journal of the Macro and Strategic Policies*, 3(10), 1-16. (Persian)
- Ahmadi, A., Mojaradi, Gh., & Badsar, M. (2016). "Analyzing the economic and social effect of legalizing the subsidies on the life quality of rural families in Orumieh". *Agricultural Extension and Education Research*, 9(3), 43-54. (Persian)
- Ansari, H. (2004). *Theories of contribution*. MA thesis, Faculty of Sociology, Tehran University, Tehran. (Persian)
- Atayi, O. (2008). *On objective-based subsidies bill: principles, issues, and concepts*. The Office of Economic Studies of Islamic Parliament, No. 9449, Bahman. (Persian)
- Azkiya, M., & Hosseini Roodbaraki, S. (2014). Lived experience of rural people regarding the cash subsidies and its consequences. *Journal of Rural Development*, 6(2), 167-192. (Persian)
- Baker, W. (1990). "Market networks and corporate behaviour". *American Journal of Sociology*, 96(3), 589-625.
- Barimani, F., Rašti, H., Dahani, M., & Jahantigh, R. (2016). "Analyzing the relationship between poverty and social capital the case of border settlements in Sistan and Balouchestan". *Geography and Territorial Spatial Arrangement*, 27, 438-453. (Persian)
- Bashirieh, H. (2005). *Sociology of politics*. Tehran: Ney Publication. (Persian)
- Beigi, S., Sameti, M., & Sharifi Ranani, H. (2012). *The impact of objective-based subsidies on poverty and unemployment: the first phase*. The First Electronic Conference on Economic Prospect of Iran. (Persian)
- Bourdieu, P. (1986). "The forms of capital". In J. Richardson (ed.). *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*. New York, Greenwood.
- Brehm, J., & Rahn, W. (1997). "Individual-Level Evidence for the Causes and Consequences of Social Capital". *American Journal of Political Science*, 41(3), 999-1023.
- Breisingel, C., Engelke, W., & Ecker, O. (2012). "Leveraging Fuel Subsidy Reform for Tran

- sition in Yemen". *Sustainability*, 4, 2862-2887. [DOI: [10.3390/su4112862](https://doi.org/10.3390/su4112862)]
- Coleman, J. (1988). "Social Capital in the Creation of Human Capital". *The American Journal of Sociology*, 94, 95-120. [DOI: [10.2307/2111684](https://doi.org/10.2307/2111684) ]
- De Vaus, D. A. (1995). *Surveys in Social Research*. London: Rutledge.
- Edalatjou, A., & Hasanzadeh, Y. (2016). *Analyzing the impact of theoretical principles of governmental intervention in economic areas*. The First National Conference of Creative Economics. Islamic Azad University, West Tehran Branch. (Persian)
- Gajrati, D. (2008). *Principles of econometrics* (translated into Farsi by Haid Abrishami). Tehran: Tehran University Press. (Persian)
- Giaeser, E. (2001). "The Formation of Social capital". *Organisation for Economic co-operation and Development*.
- Glaeser, E., & Laibson, D., & Sancerdote, B. (2000). "The Economic Approach to Social Capital". NBER Working paper No.7728 (Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research). [DOI: [10.3386/w7728](https://doi.org/10.3386/w7728)]
- Hamidzadeh, A. (2018). "Analyzing the decline of social capital in Iran". *Social Capital Management*, 5(1), 91-109. (Persian)
- Harrison, Jane L., Montgomery, Claire A., & Jeanty, P. Wilner (2018). "A spatial, simultaneous model of social capital and poverty". *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 78, 183-192. [DOI: [10.1016/j.socec.2018.09.001](https://doi.org/10.1016/j.socec.2018.09.001)]
- Heidari, M. (2016). *Analyzing the effect of supportive policies on poverty in Kurdistan province in the development plan of 1989-2011*. MA Thesis, Tehran Payam Nour University, Faculty of Social Science and Economics. (Persian)
- Hezarjeribi, J., & Safari Shali, R. (2011). "Social welfare and its effect: the case of Tehran". *Journal of Research and Urban Planning*, 2(5), 1-22. (Persian)
- Jiang, J., & Kang, R. (2019). "Temporal heterogeneity of the association between social capital and health: an age-period-cohort analysis in China". *School of Health Sciences*, Wuhan University, Wuhan, China, No.171, 61-69. [DOI: [10.1016/j.puhe.2019.04.018](https://doi.org/10.1016/j.puhe.2019.04.018)]
- Kalantari, A., & Rahimi, A. (2006). *Analyzing subsidiary economy*. Tehran: Institute of Commercial Research and Studies.
- Karim, M., & Amiri, H. (2017). "Challenges and resolutions of resistance economy". *Journal of the Macro and Strategic Policies*, 5(special issue on resistance economy), 83-105. (Persian)
- Khazadi, A., & Heidari, M. (2019). *Analyzing the relationship between social capital, hu-*

- man and economic development in Kermanshah province*. The Third Economic Conference of Iran, Mazandaran University. (Persian)
- Khezri, M. (2005). "Government and social capital". *Journal of the Macro and Strategic Policies*, 9(1), 31-52. (Persian)
- Korayem, K. (2013). "Food Subsidy and the Social Assistance Program in Egypt; Targeting and Efficiency Assessment". *Topics in Middle Eastern and North African Economies*, 15(1), 1-38
- Lu, S., Lin, Y., Vikse, H., & Huang, C. (2013). "Effectiveness of social welfare programmes on poverty reduction and income inequality in china". *Journal of Asian Public Policy*, 6(3), 27-291. [DOI: [10.1080/17516234.2013.850226](https://doi.org/10.1080/17516234.2013.850226)]
- Nabavi, H., & Amini Razani, M. (2010). "Economic policies and social issues of Iran". *Social Welfare Quarterly*, 10(38), 269-291. (Persian)
- Nademi, Y. (2009). *Trust, social capital and economic performance*. World of Economy Newspaper, No. 1882. (Persian)
- Nazari, M. (2009). *Subsidiary and its types*. Achieving Kindness. from: [www.mgtsolution.com](http://www.mgtsolution.com) (Persian)
- Noforsati, M. (1999). *Principles of united and social econometrics*. Tehran: Rasa Cultural Services. (Persian)
- Offe, C., & Fuchs, S. (2002). *Democracy in Flux: The Evolution of Social Capital in Contemporary Society*. New York: Oxford University Press.
- Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster.
- Rahimi, A., & Kalantari, A. (1996). *Economic analysis of subsidiary*. Tehran: Institute of Commercial Research and Studies. (Persian)
- Sepahvand, R., & Jafari, S. (2017). "The impact of social security on social capital and happiness". *Social Capital Management*, 3(4), 521-541. (Persian)
- Tashkini, A. (2005). *Applied econometric using Microfit*. Tehran: Tehran Dibakaran Publication. (Persian)